

متن کامل بیانیه سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران

در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

ژوئن ۲۰۰۴

۲. بیانیه جمهوری اسلامی ایران در شورای حکام^۱

اجازه می‌خواهم سخنان خود را با تقدیر صمیمانه از مدیرکل، دبیرخانه و بازرسان آژانس به خاطر تلاش خستگی ناپذیرشان و حصول اطمینان از اعتماد و تعهد کامل ما نسبت به ادامه همکاری تا خاتمه فوری موضوع ابراز نمایم.

بیش از یک سال است که آژانس بازرسی‌های جامع خود را از جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده است. بیشتر موضوعات قبلاً روشن سازی شده و دو موضوع باقی مانده به سرعت در حال روشن شدن است. ما در عین حال، نباید چشم خود را بر چگونگی و نوع فضایی که این روند آغاز شد، ببندیم. این فرایند در یک فضای تعمداً سیاسی شده آغاز شد. طرح ادعاهای حساب نشده و توهم آلود مبنی بر وجود برنامه پنهانی سلاح‌های هسته‌ای ایران به همراه چاشنی‌های سنگین درکنار آن، حاکی از میزان سیاسی شدن آگاهانه این موضوع است. این ادعاها به کرات تکرار می‌شد. هرچند در ابتدا این ادعاها از سوی قدرتی که مجهز به زرادخانه عظیم تبلیغات رسانه‌ای جهانی است عنوان گردید و این رسانه‌ها موضوع را به صورت واقعیت انکارناپذیر قلمداد می‌کردند، وظیفه این رسانه‌ها یافتن مدرکی آسان بود یعنی همان یافتن مدرک حربی که بتوان از آن سخن گفت.

آژانس در مواجهه با فشار فوق‌العاده‌ای که ممکن بود اعتبارش را به واسطه اصطلاحاً فریب خوردن از ایران از دست رفته ببیند، ناگزیر از پیمودن جانب احتیاط بود. یک درس، خیلی زود فراگرفته شد و آن هنگامی بود که در گزارش نوامبر ۲۰۰۳ مدیرکل به شورای حکام این نکته مورد تأکید قرار گرفت که تا این تاریخ هیچ مدرکی وجود ندارد که مواد و فعالیت‌های اظهارنشده قبلی ایران به برنامه سلاح‌های هسته‌ای اش مربوط باشد.

این اظهارنظر معمولی اما حائز اهمیت توسط آژانس، بهانه‌ای برای حملات بی‌امان و ارباب دائمی ازسوی برخی مقامات کشوری شد که پیش‌تر تعیین کرده بود واقعیت‌ها چیست یا چه باید باشند. شورای محترم حکام همچنین در پیام خود تقریباً تمام جنبه‌های مخرب در آن گزارش را در قطعنامه ماه نوامبر خود گنجانده و به رغم اصرار اکثریت قریب به اتفاق اعضای شورا به ویژه اعضای جنبش عدم تعهد، حتی اشاره‌ای به این یافته بسیار مهم نکرد.

^۱ این بیانیه توسط پیروز حسینی، سفیر و نماینده جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین قرائت شده است.

آن روزها هنوز در خاطر ماست. امروز و پس از ۶۷۰ نفر روز بازرسی فشرده و راستی آزمایی گسترده، آن یافته همچنان معتبر است. آژانس این یافته و استنتاج را تغییر نداده و به دلایل مشخصی از تکرار این استنتاج خودداری کرده است. در واقع، ماهیت مسائل تغییر یافته است. من اعضای شورا را یک بار دیگر دعوت می کنم آخرین گزارش و ضمائم آن را مطالعه کنند و آن را با اظهارات اولیه مطابقت دهند.

سوالات و دغدغه های امروز عبارتند از:

- آیا ایران بمب ندارد یا می توان مدرک جرمی یافت؟ هرکسی می داند به رغم وانمودهای مختلف، پاسخ این سؤال منفی است.
 - آیا ایران اورانیوم بسیار غنی شده را تولید یا دریافت نکرده است؟ و هریک از قطعات و تجهیزات وارداتی آلوده دقیقاً از کجا آمده است؟
 - آیا کشف سانتریفیوژهای P₂ به برنامه محرمانه سلاح های هسته ای مرتبط است که در سایت های نظامی که پیرامون آن جار و جنجال زیادی به راه افتاده انجام می شود؟ اما در واقع، درحالی که جمع بندهای بازرسان آژانس مؤید نظرات ایران است، نمی توان این نتیجه گیری ها را ارزیابی و نهایی نمود؟
 - آیا ایران به طور هدفمند متوسل به فریب شده است؟ اما آیا ایران ناگزیر بود ذهن بازرسان را در ارتباط با آن چه که می خواستند به طور فعالانه و نه صرفاً پاسخ به سوالات بدانند، بخوانند؟
 - آیا ایران منشأ خریداری قطعات وارداتی خود را به بازرسان نگفت؟ اما آیا پیمان کاران خصوصی به اندازه کافی در ارائه لیست کامل درخواست های خود به بازرسان چه این که آنان حتی پاسخ دریافت کرده باشند یا دریافت نکرده باشند، بیش فعال نبودند؟
 - و شاید مهم تر از همه این که آیا ایران برای تعلیق داوطلبانه فعالیت های قانونی غنی سازی خود به منظور برطرف ساختن حس فوریتی که در بوق و کرنا قرار گرفته بود، آمادگی نداشت؟ اما آیا ایران یا هر کشور دیگر آماده است انحصارطلبی جدیدی را که به طور خودسرانه تعریف شده، بپذیرد؟ چرا این امر اتفاق افتاد؟
- زیرا اعتقاد شورای حکام بر این قرار داشت که شفاف سازی ناکامل ایران در سال های قبل و آشکارسازی تمام فعالیت های هسته ای اش بیشتر متأثر از طراحی عظیمی برای پنهان کردن برنامه سلاح و نه یکی از واقعیت های روزمره و یک سازوکار دفاعی ملی علیه تحریم های یک جانبه بود که

شامل نه تنها عرصه هسته ای، بلکه شامل هر چیز اعم از دارو تا هواپیماهای مسافربری و غیرنظامی و حتی عملیات بشردوستانه پاکسازی مین ها می شد. شورای حکام بر این باور بود که انگیزه خریدهای گسترده در تمام زمینه ها توسط ایران که به واسطه اعمال تحریم های غیرقانونی یک جانبه بر آن تحمیل شده بود، باید شرارت نهانی و انگیزه های غیرقانونی باشد، تحریم هایی که ناقض ان.پی.تی و سایر اسناد بین المللی و دو جانبه به شمار می روند.

درحالی که قرائت دقیق گزارش مؤید ادعاهای اینجانب است، لازم است که پیرامون برخی اظهارات درمورد گزارش شفاهی و مکتوب که راه خود را در پیش نویس قطعنامه یافته اند، اشاره مستقیمی داشته باشیم. ما اطمینان داریم که این اظهارات به رغم تلاش های دبیرخانه و بازرسان جهت ارائه تصویری صحیح، به طور ناآگاهانه بیان گردیده اند. به همین دلیل، ما در تمام موارد به تبادل شواهد و مدارک با آژانس پرداخته ایم و به دنبال تبیین موضوع توسط دبیرخانه بوده ایم. ما از شجاعت دبیرخانه در اصلاح بی طرفانه مسئله تقدیر می کنیم و امیدواریم سایر اصلاحات درمورد موارد مستند مشابه نیز در راه باشد.

۱. کمتر از تعامل رضایت بخش و همکاری بیش فعالانه؟

بیش از ۶۷۰ نفر روز بازرسی نامحدود از ابتدای ماه فوریه تاکنون در ایران صورت گرفته است که به همین سبب، یکی از گسترده ترین و جامع ترین راستی آزمایی های تاریخ آژانس رقم خورده است. به رغم این واقعیت که دسترس تکمیلی مصرح در ماده ۴ پروتکل الحاقی به لحاظ حقوقی می توانست تنها پس از ارائه اظهارنامه ها به آژانس اعطاء شود، اما ایران به طور داوطلبانه ۱۲ مورد دسترسی داوطلبانه را حتی قبل از ارائه اظهارنامه های خود در شرایطی که اکثر این دسترسی ها ظرف حداکثر ۲ ساعت اطلاع قبلی صورت گرفته بود، اعطاء نمود. باید در خاطر داشت که فقدان معیاری مشخص یا شناخته شده یا محدوده زمانی که بر اساس آن ایران می توانست خود را برای بازرسی های گسترده تجهیز کند، ایران را به ارائه اطلاعات یا اعطای دسترسی آن هم پس از درخواست آژانس ناگزیر ساخته است. به هر حال، به رغم همکاری ها و به رغم آن چه در گزارش مدیرکل مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است، اقداماتی در جهت تأمین خواسته های آژانس به کامل ترین و سریع ترین شکل ممکن صورت گرفته است.

۲. اطلاعات ناقص و فقدان شفافیت؟

۲- الف- برنامه سانتریفیوژهای P۲

همانگونه که در مورخ ۱۷ ژوئن ۲۰۰۴ از سوی دبیرخانه آژانس به روشنی بیان گردید، شواهد و سوابق مربوط به ملاقات ها و مصاحبه های انجام گرفته توسط آژانس به طور آشکار نشان می دهد که اظهارنظر صورت گرفته در گزارش مبنی بر این که اطلاعات پیرامون P۲ در برخی موارد همچنان دربردارنده اطلاعات در حال تغییر یا ناسازگار است، موجه و منطقی نیست. ما شواهد و مدارک را در اختیار آژانس قرار داده ایم و معتقدیم که اشتباه صورت گرفته، آگاهانه و عامدانه نبوده است. از آنجا که این اشتباه منتج به جمع بندی و نتیجه گیری جدی و تأثیرگذاری فراوان بر پیش نویس قطعنامه می شود، خواستار اصلاح آن هستیم. اکنون مشخص است که ایران اطلاعات خود را پیرامون منشأ اولیه مگنت ها یا اماکنی که بخش های مختلف P۲ در آنجا ساخته شده، تغییر نداده است. متأسفانه، اصلاحی که توسط دبیرخانه صورت گرفته، حتی به اصلاحات و تغییرات واقعی لازم در پیش نویس قطعنامه منجر نگردید. به علاوه، اصلاحات صورت گرفته توسط دبیرخانه طبیعتاً ابهامات جدیدی را که نیازمند اصلاح است، در برمی گیرد. اجازه دهید این مطلب را شرح دهیم:

۱. تعداد مگنت ها: کل تعداد مگنت های موردنظر حدوداً ۱۵۰ مورد و نه ۴۰۰۰ مورد گفته شده ای است که در بوق و کرنا قرار گرفته و متأسفانه در یک جلسه غیررسمی نیز در اینجا بیان شده است. حتی از جمع ۱۵۰ مگنت، حدوداً ۱۰۰ مورد دارای کیفیت پائین و تنها ۵۰ مگنت قابل استفاده بودند. هر مگنت به قیمت ۴ دلار خریداری شده بودند و قطعات با کیفیت بهتر آن حدوداً ۷ دلار قیمت گذاری شده بودند. بیانیه اشعار می دارد که ایران در ماه می برای نخستین بار تصدیق کرده که به دنبال تهیه ۴۰۰۰ مگنت بوده و تمایل خود را نسبت به دستیابی به ۱۰۰ هزار مگنت دیگر نشان داده است. این موضوع به طور کامل توسط پیمان کار به گونه ای که سبب رضایت آشکار بازرسان گردد، توضیح داده شد. در اینجا لازم است دو نکته به تفصیل بیان گردد:

- پیمان کار بخش خصوصی برای بازرسان توضیح داد که برای خرید یک قلم جنس از یک شرکت اروپایی که قیمتش کمتر از ۱۰ دلار است، لازم است این جنس توسط او از لحاظ مالی جذاب باشد. از این رو، او این کار را از طریق قول خرید مقادیر زیادی از این جنس انجام می داده است. این اقدام ممکن است برای کسانی جالب باشد که در معرض تحریم های غیرقانونی که بخش های خصوصی و دولتی ایران جهت خرید

تجهیزات بسیار ابتدایی از خارج با آن مواجهند، قرار نداشته باشند. اما این موضوع در تمام فعالیت های اقتصادی ایران جزو واقعیت های مرسوم است.

- مقصر دانستن پیمان کار ایرانی به خاطر عدم آگاهی نسبت به الزام ارائه اطلاعات داوطلبانه در مورد نه تنها خریدهای واقعی اش که این کار را انجام داده، بلکه در مورد درخواست های ناموفقش دور از عدالت است.

۲. گزارش ماه مارس و بیانیه های ایران: با وجود ملاقات مورخ ۲۸ ژانویه، تصویر کاملی از مبدأ مگنت ها به بازرسان ارائه شد. موضوع واردات مگنت تنها در ماه می برای دبیرخانه حائز اهمیت شد به عبارت دیگر، موضوع اصلی در صورتجلسه مذاکرات آن چیزی بود که از طریق واسطه تهیه شده بود. این موضوع، تمرکز عمده بازرسان و دبیرخانه را به خود معطوف داشت و این که چرا یکی از بیانیه های ایران و نیز گزارش ماه مارس دبیرخانه در آن راستا مورد توجه قرار می گیرد، در مکاتبه شماره ۶۲۸ و سایر بیانیه های ایران از عبارت بندی متن کاملاً مشخص است که ایران تنها تأکید کرده که هیچ قطعه ای از سانتریفیوژ P۲ را از واسطه خریداری نکرده است. منشأ مگنت های خریداری شده از یک واسطه آسیایی بوده است که این را آژانس در گزارش های خود مورد تأیید قرار داده است. بنانهادن شالوده توجیه برای القای نقص یا عدم شفافیت در این رابطه، گمراه کننده است.

۲-ب- غنی سازی با لیزر

اشتباه ندانسته دیگری در گزارش درخصوص سازگاری اظهارات ایران در مورد سطوح غنی سازی لیزری، به نحوی قابل انتظار راه خود را در پیش نویس قطعنامه پیدا کرده است. ما این سند و مدرک را در اختیار دبیرخانه قرار داده ایم و معاون مدیرکل در امور پادمان در ارائه گزارش خود به شورای حکام در ۱۰ ژوئن ۲۰۰۴ به آن اشاره کرده و در عین حال تلاش کرده است بگوید که ممکن است در این زمینه، اشتباهی از سوی آژانس رخ داده باشد. به هر حال، حقائق غیرقابل انکار هستند و اطلاعات نادرست به پیش نویس قطعنامه راه پیدا کرده است. از نظر ما شایسته بود دبیرخانه درخصوص این موضوع اطلاعات واضح تری را در اختیار شورا قرار می داد. اجازه دهید این مسئله را توضیح دهیم:

ایران در نامه مورخ ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ خود به مدیرکل آژانس اطلاع داد که در راستای عملیات آزمایش جامع جداسازی، حدوداً ۸ کیلوگرم فلز اورانیوم در اتاقک ها تبخیر شده و جداسازی غنی سازی در قرارداد مورد تصریح قرار گرفت و در برخی آزمایشات، غنی سازی های بالاتر به

صورت مقیاس میلی گرم حاصل شده است. متخصص ایرانی لیزر در نخستین مصاحبه خود با بازرسان آژانس که در همین ارتباط در ۲۸ اکتبر ۲۰۰۳ صورت گرفت، اظهار داشت ما توانستیم به هدف مصرح در قرارداد نائل شویم و حتی گاهی مواقع به غنی سازی به میزان اعداد دورقمی دست پیدا کنیم. درحالی که مشخص است از اکتبر ۲۰۰۳ ایران به غنی سازی های بالاتر و حتی غنی سازی های دورقمی اشاره می کرده است، این نکته مخفی می ماند که چگونه عبارت "اندک" به گزارش ماه نوامبر راه پیدا کرده است تا این که بتواند نکته ارجاعی در بند ۳۳ گزارش جاری برای اشاره به ناسازگاری ایجاد کند. پیش نویس قطعنامه با استفاده از این موضوع به عنوان نقطه حرکت خود، پا را فراتر نهاد و آن را حذف بدون کمترین توجیه برطبق گزارش نامیده است. به هر حال، شایان توجه است که متخصصان فناوری غنی سازی با لیزر به خوبی به این حقیقت واقف اند که منوط به تنظیم و اداره مناسب تجهیزات، برخی مواقع می توان ذراتی را با درجه غنی سازی بالا مثلاً ۱۵ درصد که در گزارش انعکاس یافته و یا حتی ارقام بالاتر در برخی نواحی ظرف مخصوص جمع آوری به دست آورد که به هیچ وجه نشانه قابلیت سیستم در ادامه این روند به صورت مستمر و درازمدت نیست.

۳. تأخیر در بازرسی ها و نمونه برداری های قطعات P۲؟

این مسئله هم در گزارش ها به طور مستمر آورده شده که ایران به مدت یک ماه بازرسی ها را با تأخیر مواجه ساخته است. همچنین ادعا شده که این اقدام منتج به تأخیر در نمونه برداری های محیطی و تجزیه و تحلیل های مربوط شده است و این موضوع نیز به درون گزارش راه پیدا کرده است. واقعیت هایی که به آژانس نشان داده شده، این پرسش و ادعا را تأیید نمی کند و ما در این خصوص نیز انتظار داشتیم روشن سازی صورت گیرد. اجازه دهید این موضوع را با ذکر مثال، تبیین کنم. طی دوره موردنظر، بازرسان آژانس در ۲۷ مارس ۲۰۰۴ و نه اواسط آوریل، به ایران سفر کردند. از ماه مارس به بعد، تقریباً به طور مستمر بازرسان مختلف در ایران حضور داشته اند. تأخیر مورد سؤال تا ۱۰ آوریل وجود داشته که علت آن صرفاً اجرای اقدامات تعلیقی جدیداً اعلام شده در آن زمان بوده است. ایران به طور شفاف در یادداشت رسمی مورخ ۱۵ مارس ۲۰۰۴ خود اظهار داشته که در ارتباط با راستی آزمایی های سایر فعالیت ها در جمهوری اسلامی ایران، بازرسان آژانس می توانند در ۲۷ مارس ۲۰۰۴ به ایران سفر کنند. درمورد تأخیر در نمونه برداری های P۲، هیچ مانعی برسر راه بازرسان برای بازدید یا نمونه برداری از قطعات P۲ یا اماکن ذی ربط در برنامه P۲ از ۲۷ مارس ۲۰۰۴ به بعد وجود نداشته است. درطول دوره زمانی موردنظر، بازرسان آژانس با انتخاب خود قطعات P۲ را قبل از نیمه

آوریل ۲۰۰۴ مورد بازرسی قرار ندادند و حتی به نمونه برداری هایی که در گزارش بسیار حائز اهمیت، حیاتی، ضروری و فوری تلقی شده اقدام نکردند. بازرسان تقریباً یک ماه بعد، در اواسط ماه می اقدام به نمونه برداری کردند.

۴. محدوده تعلیق فعالیت های غنی سازی

ایران به عنوان یک اقدام اعتمادساز و مطابق با توافق خود با سه کشور اروپایی در اکتبر ۲۰۰۳، تصمیم گرفت فعالیت های غنی سازی خود را داوطلبانه به حالت تعلیق درآورد. درحالی که به طور همزمان بر حق مسلم خود مبنی بر استفاده از فناوری صلح آمیز هسته ای از جمله در زمینه غنی سازی تأکید می ورزید، ایران در مارس ۲۰۰۴ محدوده اقدامات داوطلبانه خود را بر اساس توافق سعدآباد گسترش داد تا هرگونه مانع بر سر راه عادی سازی سریع اوضاع در داخل آژانس را برطرف نماید. ایران در عباراتی کاملاً شفاف و طی نامه های مورخ ۲۹ دسامبر ۲۰۰۳ و ۲۴ فوریه ۲۰۰۴ خود، محدوده اقدامات داوطلبانه اعتماد ساز خود را بیان کرد و از آژانس خواست اقدامات مصرح در این نامه را در معرض راستی آزمایی قرار دهد. ایران به رغم مشکلات متعدد فنی و قراردادی، هردو تصمیم را به طور کامل و با پایبندی تمام جامعه عمل پوشاند و اجازه دسترسی فوق العاده و نامحدود به آژانس جهت راستی آزمایی تعلیق را اعطاء نمود.

آژانس در گزارش جاری خود تصدیق کرده است که هیچ فعالیت ناسازگار با تصمیمات داوطلبانه ایران را مشاهده نکرده است. در ارتباط با کارگاه های خصوصی که به تولید قطعات ادامه داده اند، مشکلات مربوط به قرارداد اجازه تعلیق به موقع را نداد. این مشکلات و همچنین اقدامات اصلاحی که به طور کامل اجراء گردید، در نامه مورخ ۲۴ فوریه ۲۰۰۴ مورد تصریح قرار گرفت. از این رو، هر گونه اشاره و کنایه که اجرای تصمیم داوطلبانه ایران جامع و کامل نبوده است، واقعاً نادرست است. بنابراین، این درک باید به طور واضح به وجود آید که ایران چنین اقداماتی را به منظور ارتقای اعتماد بین المللی و در جهت اعتمادسازی انجام داده است، اقدامات فرعی و ثانوی که نباید بیشتر از اصل مقصود احتمالی حاصله باشد.

ایران از طریق سخت کوشی و پشتکار و توان فکری دانشمندان خود و به رغم محدودیت های غیرقانونی چند جانبه ای که طی دو و نیم دهه گذشته، به توانمندی غنی سازی اورانیوم دست یافته است. ایران از فناوری صلح آمیز خود دست نخواهد کشید و معیارهای ساختگی و تصنعی و با انگیزه سیاسی جهت وانمود کردن چنان کاری از طریق محروم ساختن ایران از گروه کاری آژانس یا هرگونه

سازوکار دیگر در این زمینه را نخواهد پذیرفت. توازن بین حقوق و تعهدات ناشی از ان.پی.تی و اساسنامه آژانس، ضامن اصلی اعتبار و دوام رژیم عدم اشاعه سلاح های هسته ای است. تلاش ها و اقدامات خودسرانه مبنی بر ایجاد انحصار و محروم ساختن کشورهای عضو ان.پی.تی از فناوری حیاتی صلح آمیز هسته ای، موجبات تضعیف شالوده های بنیادین هر نظامی را که ادعا می شود در جهت تقویت این شالوده هاست، پدید می آورد. مسیر پیش رو

۵. مسیر پیش رو

این اظهارات تنها برای نشان دادن پیچیدگی فرایند و هشدار به همکاران ارجمند ایراد می شود، مبنی بر این که یک اشتباه کوچک سهوی یا حذف و جانداختن موضوعی توسط دبیرخانه می تواند منتج به نتیجه گیری های بهت آور از سوی چشمان مراقبی می شود که می خواهند اینجا و آنجا کلمات و عبارات را انتخاب و آن ها را در قطعنامه جای دهند یا می خواهند تبلیغات زیادی را راه بیاندازند. ما شجاعت دبیرخانه را در بیان اظهارات دیروز آن تقدیر می کنیم. ابهامات و قیدوشرط های بیش از حد مورد تأکید قرار گرفته، قابل درک هستند. اما تأثیر اشتباه و نتیجه گیری متعاقب آن در گزارش درخصوص فضای کلی موجود در شورای حکام و مسیر و بافت کلی قطعنامه پیشنهادی، امری بدیهی است. با گزارش بدون اشتباه و نتیجه گیری و جمع بندی بعدی، عادی سازی وضعیت در شورای حکام نه تنها قابل حصول بود، بلکه امری لازم و ضروری می نمود. این قاعده رعایت نشد.

اکنون شورای حکام قطعنامه ای دارد که با شرایط و اوضاع واقعی مشاهده شده و راستی آزمایی شده توسط بازرسان بیگانه است و شورا را در شرایطی کمتر یکپارچه برای تصویب این قطعنامه قرار داده است. از این رو، یک یا دو تغییر کوچک در عبارت بندی پیش نویس قطعنامه به منظور تصدیق و اذعان به معطوف داشتن توجه اعضای شورا به اطلاعات ارائه شده نمی تواند اشتباه بسیار جدی موجود در متن آن را جبران نماید و این امر نه تنها در مورد ایران، بلکه در واقع تمام فرایند را به مخاطره انداخته است. چه کسی را باید در این زمینه مقصر دانست؟ آیا بازرسان که تلاش سختی را انجام داده اند، به طور طبیعی مجاز به اشتباه کردن هستند؟ یا کسانی که به طرزی روشنند فضای سالم و بی طرف مورد نیاز برای چنان بازرسی های سنگین را به واسطه پرکردن گوش فلک با پیش داوری های بیجا و القای روزمره این پیش داوری ها به همه از جمله بازرسان به ویژه از طریق رسانه ها تخریب کرده اند، در این ارتباط مقصرند و سرزنش متوجه آن هاست؟

ما برای بی طرفی و حرفه ای گری آژانس و مدیرکل دبیرخانه و بازرسان آن نهایت احترام را قائلیم. ما نهایت تلاش خود را انجام داده ایم تا آن ها را با هر اطلاعاتی که در این کار مشترک به آن نیاز دارند، تأمین کنیم. کار مشترکی که ایران و آژانس با یکدیگر آغاز کرده اند، می تواند به پایان فوری خود نزدیک شود. این هدف اگر الان در دسترس نباشد، بسیار قابل حصول است. گزارش شفاهی و مکتوب مدیرکل که با دقت مطالعه شد، بدون تردید بیانگر آن است که آژانس در نتیجه گیری و جمع بندی درخصوص روشن سازی دو موضوع باقی مانده یعنی P2 و بحث آلودگی، به پیشرفت قابل توجهی رسیده است. اجازه دهید عبارتی چند را دوباره بیان کنم.

- ابتدا درمورد P2: بین بازرسان آژانس و پیمان کار بخش خصوصی که در زمینه P2 و فرایند تحقیق و توسعه فعالیت کرده است، سه دوره مذاکرات فشرده انجام شد که آخرین سری از این مذاکرات روز ۳۰ می ۲۰۰۴ صورت گرفت. بازرسان آژانس، این نتیجه گیری و جمع بندی خود را در پایان مذاکرات با مقامات ایرانی در ۲ ژوئن ۲۰۰۴ مبنی بر این که اظهارات ایران پیرامون P2 و فرایند تحقیق و توسعه با یافته های آنان سازگاری و مطابقت دارد، تأیید نمودند. آن ها درمورد امکان انجام آزمایشات سانتریفیوژ براساس طراحی P2 که مستلزم خرید قطعاتی از خارج و ساخت قطعات ریخته گری و سانتریفیوژ در چهارچوب زمانی اعلام شده بود، متقاعد شدند. از این رو، از نظر بازرسان که دیدگاه مستلزم انجام ارزیابی نهایی در وین است، این موضوع به طور محتوایی روشن سازی شده است. توجه به این نکته مهم است که مدیرکل در ارائه گزارش شفاهی مورخ ۱۴ ژوئن خود در شورای حکام با دقت اظهار داشت که "اطلاعات دیگری درخصوص موضوع سانتریفیوژهای P2 از سوی ایران رسیده است که ما درحال حاضر سرگرم ارزیابی آن هستیم. ما همچنین نمونه برداری های محیطی در ارتباط با این مقوله را انجام داده ایم که تجزیه و تحلیل این نمونه برداری ها نیز هم اکنون درحال انجام است. امیدوارم این اطلاعات به درک و تبیین موضوعات مرتبط با برنامه P2 کمک کند". ما از این اظهارنظر عمومی که این مسئله تا سپتامبر حل خواهد شد، استقبال می کنیم و اطمینان داریم ارائه توضیحات روز گذشته معاون پادمان مدیرکل، به تسریع در خاتمه موضوع کمک خواهد کرد.

- دوم در مورد موضوع آلودگی: همانگونه که در گزارش آمده است، موضوع آلودگی یک مسئله پیچیده است که با موضوع منشأ قطعات و نه مواد هسته ای سروکار دارد. ایران دائماً اظهار داشته که منشأ آلودگی ها صرفاً قطعات آلوده وارداتی دریافت شده از واسطه ها بوده است و

ایران تاکنون قادر نبوده از طریق دستگاه‌های سانتریفیوژ گازی تا سقف بالاتر از ۱/۲ درصد اورانیوم ۲۳۵ به غنی‌سازی اورانیوم بپردازد. آژانس به رغم تمام فرازونشیب‌ها در گزارشات قبلی، اکنون به جمع بندی‌های جدی در نتیجه تجزیه و تحلیل بیشتر نمونه‌ها رسیده است. این جمع بندی‌ها از استدلال ایران در مورد منشأ آلودگی حمایت می‌کند. یک نمونه واضح در این زمینه، گزارش اخیر تجزیه و تحلیل نمونه‌ها است که در ۱۵ می ۲۰۰۴ انجام گرفته و در آن آژانس اطلاع داده است که این یافته‌ها عموماً از اظهارات دولت ایران مبنی بر این که ۵۴ درصد منشأ آلودگی اورانیوم بسیار غنی شده از قطعات سانتریفیوژ وارداتی می‌باشد، حمایت می‌کند. ایران تردیدی ندارد که منشأ ۳۶ درصد آلودگی نیز از قطعات سانتریفیوژ وارداتی است. نمونه برداری‌های بیشتر از قطعات که تاکنون به رغم اصرار ما بسیار محدود بوده است، یک بار دیگر صحت استدلال ایران را اثبات خواهد کرد. ادعای صحت این استدلال به ویژه هنگامی بیان می‌شود که ما شاهد تحول تدریجی نقطه نظرات آژانس در مورد اماکنی هستیم که ۳۶ درصد آلودگی از آنجا یافت شده است. ابتداء در ۲۷ اکتبر ۲۰۰۳ چنین ادعا می‌شد که چنان آلودگی تنها در یک محل پیدا شده است، حال آن که در گزارش جاری مشخص است که آلودگی در اماکن مختلف و در قطعات وارداتی یافت شده است. همکاری دیگر کشورها به تسریع در حل و فصل این موضوع کمک خواهد کرد.

قطعه‌نامه ای که به تازگی از سوی شورا به تصویب رسیده، از واقعیت‌های موجود و موارد مطروحه در گزارش مدیرکل، فاصله جدی و اساسی دارد. لحن و محتوای از پیش تعیین شده توأم با رویکرد ضعیف در قبال واقعیت‌ها و حقائق، نشانگر بازگشت و وجود یک تمایل و اراده سیاسی به منحرف کردن فرایند است. تعدادی از موارد طرح شده در بخش مقدماتی و بندهای ۷ و ۸ اجرایی در خصوص UF₆ و همچنین رآکتور تحقیقاتی آب سنگین، صرف نظر از تغییرات ایجاد شده در عبارت بندی، ناقص نص و روح NPT و اساسنامه آژانس است. این نخستین نمونه در تاریخ آژانس است که از یک کشور عضو با هر عبارت بندی خواسته می‌شود از دسترسی خود به حقش به ویژه با توجه به تأسیسات اظهار شده به موجب موافقت نامه جامع پادمان آژانس چشم‌پوشد. آژانس به رغم اعتراض اکثریت اعضای خود که گروه نم‌نمایندگی این اعتراض را به عهده دارد، باید از سنت و روالی که بنا می‌نهد آگاهی داشته باشد. چنان چه تقدیر خود را از شاخه نم در وین به خاطر موضع اصولی و تلاش بی وقفه اشان ابراز ندارم، حق مطلب را اداء نکرده‌ام.

اجازه دهید سخنان خود را با ذکر ۶ نکته پایانی، خاتمه دهم:

۱. ایران به عنوان یکی از ضروریات امنیت ملی اش، خود را به عدم اشاعه سلاح و استفاده صلح آمیز از فناوری هسته ای متعهد می داند.
۲. سلاح های هسته ای در دکترین دفاعی و امنیتی ایران جایی ندارند.
۳. صدها نفر روز بازرسی گسترده و سنگین، یک بار دیگر تأیید کرده است که ارزیابی اولیه آژانس همچنان صحیح است و این گونه نیز باقی خواهد ماند.
۴. نمونه برداری ها و تجزیه و تحلیل های بیشتر تنها منتج به ادعای ما درخصوص منشأ خارجی آلودگی ها خواهد شد. این موضوع می تواند به خوبی در چارچوب پادمان و پروتکل الحاقی انجام گیرد.
۵. به واسطه شفافیت و همکاری کامل ایران از اکتبر ۲۰۰۳ تاکنون به همراه راستی آزمایی های جامع و کامل از سوی آژانس، اکنون تأیید کافی به وجود آمده است که آژانس را قادر سازد فرایند طبیعی سایر راستی آزمایی ها را برطبق اصل اجرای طبیعی پروتکل الحاقی در یک فضای فنی و نه سیاسی، طی کند.
۶. ما در پرتو میزان اجرای تعهدات دوجانبه طرف های مورد گفتگو، به بازبینی اقدامات داوطلبانه اعتمادساز خود خواهیم پرداخت و تصمیمات مقتضی را اتخاذ خواهیم کرد.